

## معیارهای ازدواج سالم در نظام حقوقی و تربیتی

فاطمه چاقری<sup>۱</sup>

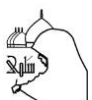
### چکیده

ازدواج به‌عنوان امری فطری و الهی همیشه و در طول تاریخ مورد ابتلاء تمامی جوانان می‌باشد و تمایلات جنسی همواره انسان را ناگزیر از آن نموده است. آدمی نیز قصد دارد این پیوند الهی را که مهم‌ترین بخش زندگی او را تشکیل می‌دهد با موفقیت پشت سر بگذارد؛ لذا ما بر آنیم تا با ارائه معیارهایی که در آیات و روایات بیان شده جوانان را یاری نماییم. و همچنین با معرفی الگوها و نمونه‌های برتر زوجین را به این مهم تشویق کنیم. مهم‌ترین این معیارها، کفویت در ایمان است. سایر ملاک‌ها اعم از جمال، شرافت خانوادگی، ثروت و... اگرچه در جای خود مهم هستند اما نباید به‌عنوان معیار صرف قرار بگیرند.

**واژگان کلیدی:** کفویت، ازدواج سالم، ازدواج، همسرگزینی



<sup>۱</sup>. کارشناسی ارشد



کلیات: ازدواج و انتخاب همسر یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی انسان است که باید با علم و آگاهی پشت سر گذاشته شود. خداوند متعال نیز در قرآن کریم بیان می‌دارد: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم/۲۱) و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!

لکن در جامعه کنونی بعضاً مشاهده می‌کنیم، انتظاری که مردم از ازدواج دارند برآورده نمی‌شود و آن‌ها سعی می‌کنند تجربیات تلخ و عدم موفقیت‌های خود را به دیگران القا کنند و چه بسا با عبارتهایی همچون «قبل از ازدواج یک مشکل داری و بعد از ازدواج هزار و یک مشکل» دیگران را نیز از این عمل بازدارند و به همین علت مردم با نگاهی منفی به سمت این پیوند الهی می‌روند چراکه انسان به جهت خصوصیات و تمایلات جنسی هرگز توان خودداری از ازدواج را نخواهند داشت.

ازدواج نه تنها برای انسان امری فطری و طبیعی است بلکه همه کائنات و موجودات به نحوی از انحاء ازدواج از گیاهان گرفته تا حیوانات که به صورت خودکار و بدون اجبار تمایل به ازدواج کردن دارند و این موضوع به خوبی از آیه ۱۳ حجرات معلوم می‌شود که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (این‌ها ملاک امتیاز نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست خداوند دانا و آگاه است» همچنین آیات ۴۹ سوره مبارکه ذاریات و ۷۲ سوره نحل مبین ضرورت ازدواج می‌باشد که بیان می‌دارد: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (ذاریات/۴۹) «و از هر چیز دو جفت آفریدیم، شاید متذکر شوید» «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ

أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَلَيْسَ لِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمٌ؟ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ»  
(نحل/۷۲) «خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوههایی به وجود آورد و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد آیا به باطل ایمان می‌آورند، و نعمت خدا را انکار می‌کنند؟»

علاوه بر آیات، روایاتی نیز در دسترس شیعه قرار گرفته که مبتنی بر همین بحث می‌باشد که آن‌ها را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود:

#### ۱. مذمت مجرد ماندن

الف) آیات:

«وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ» (نساء/۲۵) «و آن‌ها که توانایی ازدواج با زنان پاکدامن باایمان را ندارند، می‌توانند با زنان پاکدامن از بردگان باایمانی که در اختیار دارید ازدواج کنند»

ب) روایات:

امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند: مردی پیش پدرم آمد، از او پرسید: «آیا همسر داری؟» گفت: «نه» پدرم گفت: «خوش ندارم که همه دنیا و سرمایه‌های آن را داشته باشم ولی یک شب را بدون داشتن همسر به سر برم» آنگاه افزود: «دورکعت نمازی را که مرد متأهل می‌خواند برتر از کار مرد بی همسری است که شب را زنده می‌دارد و روزش را روزه می‌گیرد» آنگاه هفت دینار به آن مرد پرداخت کرد و فرمود: «با این پول ازدواج کن» (مرتضوی، ۱۳۸۱، ص ۶)

#### ۲. تأکید بر تشویق و ترغیب دیگران به ازدواج

الف) آیات:



«وَأَنْكَحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ...» (نور/۳۲)

«مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکارتان را»

(ب) روایات:

عن ابی عبدالله قال: «من زوج اعزبا كان ممن ينظر الله اليه يوم القيامة» (اسلامی پناه، ۱۳۸۴،

ص ۱۴)

۳. عدم هراس از فقر مالی

(الف) آیات:

«...إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور/۳۲)

اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد خداوند گشایش دهنده و

آگاه است»

(ب) روایات:

محمد بن جعفر به نقل از پدرش امام صادق علیه السلام این سخن را از پیامبر اکرم نقل می کند:

«کسی که ازدواج را به خاطر ترس از تنگدستی و عیالواری رها کند به خداوند بدگمان شده است»

(مرتضوی، ۱۳۸۱، ص ۶)

از کلیه آیات و روایاتی که نقل کردیم و بسیاری دیگر، که مجال ذکر همه آنها نیست به خوبی

می توان اهمیت ازدواج را در نظام خانواده، جامعه، دین و تربیت مشاهده نمود.





به‌طور کلی هنگامی که دو جوان با هم ازدواج می‌کنند به خاطر وجود شور و عشق به یکدیگر نه تنها پیوند خانواده‌ها مستحکم‌تر می‌گردد بلکه جامعه نیز، هم از نظر فساد اخلاقی در امان است و هم آنکه توالد و استمرار نسل‌هایش حمایت می‌شود.

از طرفی دیگر هنگامی که دو جوان به بستر خانواده و کانون گرمش راه می‌یابند خود دینشان را نیز از معرض نابودی نجات می‌دهند چراکه شور اوان جوانی اگر در مسیر درست قرار نگیرد چه بسا انسان را به هلاکت برساند. روایات نیز به این موضوع اشاره دارند:

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌فرماید:

«من تزوج احرز نصف دینه» کسی که ازدواج کند نصف دین خود را نگهداری کرده است. (مسجد سرائی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۹۶)

از سوی دیگر همان‌طور که در آیات نیز به‌طور صریح آمده ازدواج از لحاظ روانی و تربیتی نیز انسان را تحت سیطره خود قرار می‌دهد، آنجا که می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم/۲۱)

بنابراین روشن است که ازدواج تنها عشق و علاقه دو جنس مخالف نیست بلکه با ازدواج نه آن‌ها زوج جوان بلکه تمامی جامعه از بسیاری خطرات احتمالی محفوظ هستند و گویا با هر ازدواج آرامش را به جامعه هدیه می‌کنیم. پس شایسته است که هم خودمان به این امر الهی پایبند باشیم و هم با آماده کردن زمینه ازدواج برای اطرافیان، آن‌ها را به این پیوند آسمانی دعوت کنیم.

معیارهای ازدواج سالم

با توجه به مطالبی که بیان شد، ضرورت و اهمیت جایگاه ازدواج روشن است. بر همین مبنا انتخاب همسر از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. این مهم اقتضا می‌کند که در باب آن مقدماتی در نظر

گرفته شود زیرا در صورت عدم رعایت برخی مقدمات انتظار ما از ازدواج برآورده نخواهد شد و مطلوب به دست نخواهد آمد.

از جمله مقدماتی که لازم است هر فرد پیش از بررسی و انتخاب همسر خویش در نظر بگیرد؛

الف) شرایط اقدام به انتخاب همسر

پیش از ازدواج و قرار گرفتن در مراحل آن، لازم است شرایطی برای زوج حاصل شود تا ایشان آمادگی پذیرفتن این امر را داشته باشند. به نوعی می‌توان گفت که فرد در ابتدا باید خود را مورد بررسی قرار داده تا میزان آمادگی خویش را بسنجد. در واقع این مرحله لازمه آن است که فرد با رسیدن به شرایطی خود را آماده ازدواج می‌داند. بر اساس تأکیدات زیادی اگر فرد بدون وجود این ویژگی‌ها به سراغ ازدواج برود مطمئناً در زندگی متأهلی با مشکلاتی روبه‌رو خواهد بود. چه بسا که برخی از آن‌ها جبران‌پذیر نیز نباشند.

### بلوغ جنسی

در مرحله اول لازم است که تفاوت بلوغ شرعی و جنسی در نظر گرفته شود. الزاماً این او با یکدیگر توأم نیستند یعنی ممکن است فردی به بلوغ شرعی رسیده باشد و بالغ شرعی محسوب شود در حالی که هنوز به بلوغ جنسی و فکری نرسیده است. بنابراین زوجین تا هنگامی که به بلوغ نرسیده‌اند به هیچ‌عنوان ازدواج برای آن‌ها توصیه نمی‌شود زیرا با توجه به مسائل و جایگاه بلوغ جنسی، این مورد لازمه ازدواج است.

### آگاهی از فلسفه ازدواج

از مهم‌ترین مسائل آن است که هر فردی هنگام قصد ازدواج به حدی از شناخت رسیده باشد که بداند هدف از این امر چیست! در واقع جایگاه زندگی مشترک و نیازهای آن را بداند. اغلب افراد نگاه



سطحی به این موضوع داشته و در پی آن مراحل ازدواج را با سطحی‌نگری طی کرده که این خود عامل بروز مشکلات عظیمی در ازدواج و مراحل زندگی بعدازآن است. افرادی که شناخت و درک صحیحی از این امر ندارند زندگی و ازدواج را جور دیگری می‌یابند حتی ممکن است راه خویش را گم کنند.

اهمیت این مسئله در آن است که آگاهی و شناخت جایگاه ازدواج تأثیر به‌سزایی در انتخاب همسر مناسب دارد. فردی که ارزش زندگی مشترک را بداند مطمئناً در تلاش خواهد بود که کسی را انتخاب کند که بتواند اهداف را در کنار او به دست آورد به‌نوعی آگاهی به‌منزله چراغی است که راه را برای فرد روشن کرده و او را از تمام فرازها و فرودها و پیچ‌وخم زندگی آگاه می‌سازد.

### آشنایی با آیین همسر داری

زن و مرد از جهت روانشناسی اختلاف و تفاوت‌های زیادی با یکدیگر دارند. این مسئله به‌خوبی مورد تأکید اسلام نیز واقع شده و به دلیل اهمیت آن به‌خوبی در متن دین می‌توان به آن پرداخت. نکته قابل‌توجه آن است که تفاوت زن و مرد به معنای تبعیض نیست بلکه تفاوت در ویژگی‌های خلقتی و فطری است که برای مقابله با آن لازم است آگاهی و شناختی وجود داشته باشد. هر انسان به‌موجب زن یا مرد بودن مطمئناً دارای آن ویژگی‌های خاص می‌باشد، مثلاً: زنان بیشتر از مردان احساساتی هستند و یا اینکه مردان معقول‌تر از زنان رفتار می‌کنند.

به‌موجب این موضوع، لازم است زن و مرد از ویژگی‌های خاص خویش و تفاوت‌هایی که وجود دارد آگاهی داشته باشند تا بتوانند در موقعیت‌های حساس و مهم زندگی وظیفه خویش را به‌خوبی ایفا نمایند.



ارتباط این شناخت با آیین همسرمداری در این است که افراد بر اساس شناخت خود از مسائل، رفتار می‌کنند و با مسائل روبه‌رو می‌شوند. لذا وقتی در شرایط مختلف افراد با تکیه بر شناخت ویژگی‌های خود رفتار می‌کنند می‌توانند به راحتی مراحل زندگی را به سلامت و در عین آرامش طی کنند.

## بلوغ اقتصادی

این شرط بیشتر در خصوص پسران مطرح است زیرا در جامعه کنونی و در دین مبین اسلام نفقه و تمامی مخارج زندگی زن برعهده مرد است. بنابراین تا هنگامی که بلوغ اقتصادی صورت نگیرد فرد توانایی اداره یک زندگی موفق را نخواهد داشت.

البته لازم به ذکر است که منظور از بلوغ اقتصادی داشتن یک شغل پردرآمد، مسکن شخصی، اتومبیل و ... نیست بلکه همین قدر که فرد بتواند لوازم ابتدای برای شروع زندگی مشترک را فراهم آورد و پس از آن نیز نیازهای خانواده را ولو در حد اندک رفع کند کافی است. (عرفانی فر، ۱۳۸۶، ص ۳۷)

در مورد دختران نیز می‌توان اشاره کرد که فرد به حدی از بلوغ فکری رسیده باشد که در کنار همسر خویش بتواند مدیریت مسائل مالی را کند زیرا با آنکه مسئولیت تأمین مسائل مالی برعهده مرد است ولی مسئله مدیریتی آن در مورد اعضای خانواده و نیازهای زندگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در روایات نیز به بلوغ اقتصادی اشاره شده است؛ نظیر آنکه امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «**الكفو أن يكون عفيفا و عنده يسار**» همتایی در ازدواج آن است که داماد پاک و عفيف باشد و مقداری از مادیات را داشته باشد. (همان، ص ۳۷)

این مطلب اشاره دارد که افراد مسئله بلوغ اقتصادی و به‌طور کلی مسئله اقتصادی خانواده را باید هم در شرایط اولیه خود و هم در ملاک‌ها و معیارهای همسر خود در نظر بگیرند.





غیر از موارد اشاره شده شرایط دیگری باید در ازدواج پیش از اقدام به آن، مورد توجه قرار گیرد که بیشتر این موارد در حوزه اخلاقی و تربیتی گنجانده می‌شوند و هر فرد باید سعی کند برای داشتن یک ازدواج موفق آن‌ها را کسب کرد و معیار در انتخاب همسر خویش قرار دهد، از جمله:

الف) روحیه گذشت داشتن

ب) انتقاد پذیر بودن

ج) مسئولیت پذیر بودن

د) استقلال شخصیت داشتن

ه) و....

ب) مراحل و معیارهای انتخاب همسر

۱. کفویت

منظور از کفو مثل، همتا و نظیر است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۲۱) که این همتایی باید در همه ویژگی و صفات دو طرف باشد اما نه به معنای تشابه ۱۰۰ درصدی زیرا هرگز در عالم نمی‌توان دو انسان ۱۰۰٪ مشابه پیدا کرد. حتی افراد دو قلوبی هم جنس که از یک مادر و پدر هستند هزاران هزار تفاوت با یکدیگر دارند چه رسد به دو جنس مخالف که هرکدام از یک مادر و پدر متفاوت هستند.

بنابراین منظور از کفویت، عینیت در ویژگی‌ها نیست بلکه مقصود حداکثر شباهت است. (وهابی

دریاکناری، ۱۳۸۵، ص ۹۰)



قرآن نیز به مسئله کفویت زوجین در مباحث مختلف می‌پردازد. آنجا که می‌فرماید: «الْخَبِيثَاتُ

لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ» (نور/۲۶)

زنان ناپاک از آن مردان ناپاک‌اند، و مردان ناپاک نیز به زنان ناپاک تعلق دارند و زنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاک‌اند!

و یا اینکه در سوره روم آیه ۲۱ می‌فرماید: «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» و بسیاری مثال‌های دیگر که در این اوراق مجال نیست و همگی مضمون کفویت را دربردارند.

بحث کفویت آنقدر مهم است که در احادیث درباره حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه سلام الله علیها آمده است: «لَوْلَا إِنْ اللَّهُ خَلَقَ فَاطِمَةَ لَعَلَى مَا كَانَ لَهَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ كَفُو» «اگر خداوند حضرت فاطمه را برای علی علیه السلام خلق نکرده بود کفوی برای او پیدا نمی‌شد» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، باب ۲۷، ح ۶)

حال در اینجا سوالی مطرح می‌شود که کفویت در صفات و ویژگی‌ها چگونه نمود می‌یابد و یا در چه ویژگی‌هایی باید وجود داشته باشد؟

خداوند متعال پاسخ به این سؤال را در قرآن ذکر کرده همان‌طور که در سوره بقره آیه ۱۸۷ آمده است: «...هِنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لِهِنَّ...»

پروردگار عالم، زن و شوهر را به‌منزله لباس برای یکدیگر بمعرفی نموده به همین جهت ابتدا باید ویژگی‌ها و مزیت‌های یک لباس را بشناسیم تا بدانیم که زوجین در زندگی چه ملاک‌هایی باید برای همدیگر داشته باشند.

در تفاسیر آمده است:





لباس باید در طرح و رنگ و جنس مناسب انسان باشد همسر نیز باید کفر انسان و متناسب با فکر و فرهنگ و شخصیت انسان باشد. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۹۴)

لباس مایه زینت و آرامش است؛ همسر نیز مایه آرامش خانواده است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۹۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۵۱؛ دهقان، ۱۳۸۹، ص ۴۴۵) چنانکه در قرآن نیز هدف از ازدواج را همین مطلب ذکر کرده است و می‌فرماید: «لتسکنوا الیها» (روم/ ۲۱) مفسرین در این باب آورده‌اند که یاد خدا مایه آرامش دل و روح است<sup>۲</sup> و همسر مایه آرامش جسم و روان.<sup>۳</sup> (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۱۹۰)

لباس عیوب انسان را می‌پوشاند و آبروی او را حفظ می‌کند پس هر یک از زن و مرد نیز باید عیوب و نارسایی‌های یکدیگر را بپوشاند و آبروی هریک را حفظ نمایند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۹۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۵۱؛ دهقان، ۱۳۸۹، ص ۴۴۴)

لباس انسان را از سرما و گرما حفظ می‌کند؛ وجود همسر نیز کانون خانواده را گرم و زندگی را از سردی می‌رهاند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۹۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۵۱؛ دهقان، ۱۳۸۹، ص ۴۴۵)

دوری از لباس مایه رسوایی است؛ دوری از ازدواج و همسر نیز سبب انحراف و رسوایی انسان می‌گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۵۱)

در هوای سرد لباس ضخیم و در هوای گرم لباس نازک استفاده می‌شود؛ هریک از دو همسر نیز باید اخلاق و رفتار خود را متناسب با نیاز روحی طرف مقابل تنظیم کند اگر مرد عصبانی است، زن با

<sup>۲</sup> «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/ ۲۸)

<sup>۳</sup> «ازواجاً لتسکنوا الیها» (روم/ ۲۱)

لطافت با او برخورد کند و اگر زن خسته است مرد با او مدارا کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۵۱؛ دهقان، ۱۳۸۹، ص ۴۴۵)

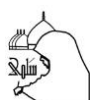
انسان باید لباس خود را از آلودگی حفظ کند همان‌طور که لباس هم او را حفظ می‌نماید؛ بنابراین هر یک از زن و مرد نیز باید دیگری را از آلوده شدن به گناه حفظ کنند و مایه تقوای یکدیگر باشند زیرا با توجه به آنکه در روایات آمده است که با ازدواج نصف دین کامل می‌شود (مسجد سرائی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۹۶) و با توجه با کلام مفسران ذیل آیه ۱۸۷ بقره که می‌فرمایند نیاز زن و مرد به یکدیگر دو طرفه است (قزائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۹۵) باید هریک از دو همسر نیز در نصفه باقی مانده طرف مقابل را یاری نماید تا هم زوجین و هم ازدواج به کمال و غایت خود برسند. در این صورت است که به این دو، زوج موفق می‌گویند.

#### ۱.۱. تشابه مذهبی

اولین و مهم‌ترین تشابه مذهبی در باب ایمان است. آیات و روایات متعددی در دست داریم که به این مضمون اشاره می‌کند.

«الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ»  
(نور/۲۶)

و اینکه می‌فرماید پاک باشند دین و اخلاق را دربر می‌گیرد. زیرا کسی که اخلاقش نیکو باشد در دینش نیز خللی وارد نیست بنابراین در معیارهای انتخاب همسر باید توجه داشت که تنها رکوع و سجود طولانی ملاک نیست همان‌طور که در روایات نیز آمده است که اداء الامانه و صدق اللسان معیار ما برای محک زدن ایمان اشخاص است و نه رکوع و سجود طویل. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۰۴)



حضرت صادق علیه السلام می‌فرمایند: «المؤمنون بعضهم اكفاء بعض» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، باب ۲۸، ح ۸) یعنی مؤمن هم‌تراز مؤمن است و اشخاص باایمان نظیر یکدیگرند؛ بنابراین کفویت در ایمان اولین و مهم‌ترین ملاک در ازدواج است.

تأکید بر روی این ملاک در روایات تا آنجاست که از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم: «اذا جائکم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه الا تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر» هر وقت پسری به خواستگاری دخترتان آمد اگر از دین و اخلاق او راضی بودید دخترتان را تزویج کنید فتنه و فساد بزرگی را باعث شده‌اید. (همان، ج ۲۰، باب ۲۸، ح ۱ و ۲)

همچنین در مورد سنخیت زن و مرد در احصان<sup>۴</sup> که زن و مرد هر دو باید عفت کامل داشته باشند قرآن کریم در آیه ۳ سوره مبارکه نور می‌فرماید: «الزانی لا ینکح ائلاً زانیةً او مشرکةً و الزانیة لا ینکحها ائلاً زانٍ او مشرک و حرّم ذالک علی المؤمنین» «مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی‌کند و زن زناکار را، جز مرد زناکار یا مشرک، به ازدواج خود در نمی‌آورد و این کار بر مؤمنان حرام شده است.»

آیه ۲۲۱ بقره نیز بیان می‌دارد که در ازدواج ملاک تقوا و ایمان باید جایگزین جمال و زیبایی گردد چنانکه می‌فرماید: «و لأمّة مؤمنة خیر من مشرکة و لو أعجبتکم» «کنیز باایمان، از زن آزاد بت‌پرست، بهتر است هرچند (زیبایی، یا ثروت، یا موقعیت او) شما را به شگفتی آورد.»

روایات نیز به این مهم اشاره دارد آنجا که رسول خدا می‌فرماید: «هرکس با زنی برای مالش ازدواج کند خداوند او را به همین امر واگذار می‌نماید و هرکس که برای جمالش ازدواج کند به چیزی

<sup>۴</sup> عفت.



می‌رسد که از آن کراهت دارد و هرکس برای دین‌داری ازدواج کند خدا هر سه را برایش جمع می‌کند.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۳۱) و احادیث بسیار دیگر.

اما بحث از حسن خلق، که در تشابهات مذهبی به میان می‌آید و منظور از آن رفتارها و تعاملات مناسب در زندگی، سازگاری و مدارا با افراد است، چنانکه در روایات آمده است:

**قیل للصادق علیه السلام: «ما حد حسن الخلق؟» قال: «تلین جناحک و تطیب کلامک و**

**تلقی اخاک ببشر حسن» (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۷۱، ص ۱۷۱)**

البته در این باره امام خامنه‌ای K در کتاب مطلع عشق می‌فرمایند: «در این زمینه هر کس که در راه خدا جلوتر، پیش‌قدم‌تر، فداکارتر، آگاه‌تر و به‌دردبخورتر و برای بندگان خدا نافع‌تر باشد این بالاتر و بهتر است؛ ممکن است زن در آن حد نباشد، ایرادی ندارد. زن خودش را به سمت او بکشد. یا زن ممکن است بالا باشد، مرد به‌قدر او نباشد پس مرد باید خود را به سمت او بکشد.» (علی‌اکبری، ۱۳۸۷، ص ۱۵)

بنابراین ایمان که حسن خلق، عفت و ... را در خود می‌گنجاند از مهم‌ترین ملاک‌های ازدواج موفق است که باید جایگزین جمال و مال شود.

## ۱.۲. تشابه سنی

تشابه سنی از دیگر مواردی است که در بحث از کفویت باید مدنظر قرار بگیرد. انسان معمولاً با گذر زمان تجاربی کسب می‌نماید و با آن‌ها زندگی آینده خود را می‌سازد. حال اگر زنی را فرض نمائی‌ام که ۲۰ سال از شوهرش کوچک‌تر است مطمئناً این عامل برای هر دو ایشان اختلاف زا و تنش آور است. چراکه به علت این اختلاف نمی‌توانند یکدیگر را درک کنند و این تنش‌ها به‌جایی می‌رسد که



با یکدیگر لج و لج بازی می کنند و فاصله را گسترده تر از قبل می نمایند. (وهایی دریاکناری، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸)

هنگامی که بحث از رابطه بین فرزند و والدین به میان می آید روانشناسان مطرح می کنند که چون نسل این دو متفاوت است و آداب و رسوم و فرهنگ هر نسلی کمی متفاوت از دیگر نسل هاست بنابراین ممکن است نتوانند به راحتی در کنار هم زندگی کنند و در مواردی جزئی به مشکل و اختلاف نظر برسند؛ حال چطور می توان گفت زوجین با اختلاف سنی ۲۰ سال و اینکه از دو نسل متفاوت می باشند قادر هستند کانون گرمی را به وجود بیاورند؟ این اختلاف سنی پدر و فرزندی است و نه زن و شوهر!!! (وهایی دریاکناری، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸)

علاوه بر این هنگامی که تفاوت سنی به این حد باشد به هیچ وجه نمی توانند در روابط زناشویی دیگری را ارضاء نمایند زیرا از تمایلات جنسی مساوی برخوردار نیستند در نتیجه نسبت به یکدیگر دلسرد می شوند. (امینی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳)

و البته تناسب سنی به معنای هم سن بودن نیست بلکه بهتر است زن چند سالی کوچک تر از مرد باشد، زیرا زن به علت بارداری و زایمان و شیر دادن زودتر از مرد پیر و شکسته می شوند پس باید حدود یک الی ۵ سال تفاوت داشته باشند تا زن طراوت خود را به زودی از دست ندهد. (همان، ص ۱۲۳) همچنین هنگامی که تناسب سنی مطلوبی برقرار باشد زوجین بهتر می توانند احساسات یکدیگر را درک نمایند.

البته لازم به ذکر است، عده ای از روانشناسان بر این باورند که تنها سن شناسنامه ای ملاک نیست بلکه ۳ سن باید در افراد در نظر گرفته شود:

۱. سن شناسنامه ای



منظور از این سن، همان سال تولد است که در شناسنامه فرد به ثبت رسیده است.

## ۲. سن زیستی و بیولوژیکی

مفهوم اصلی سن زیستی بدین معناست که همه انسان‌ها و افراد هم‌سن‌وسال که در یک روز به دنیا می‌آیند، با توجه به عوامل ارثی، نقل و انتقالات و ساختار ژنتیکی، رشد و تحول زیستی انسان به‌خصوص در دوران جنینی و یا حیات قبل از تولد، چگونگی تولد و مراحل اولیه رشد با هم متفاوت می‌باشند مثلاً فرد جوانی را می‌بینیم که در ۲۵ سالگی اکثر موهای سرش سفید شده و در مقابل فرد دیگری در سن ۵۰ سالگی حتی یک تار مویش سفید نشده است. بنابراین سن زیستی با سن تقویمی یا شناسنامه‌ای او همخوانی ندارد.

البته علاوه بر بررسی ویژگی‌های زیستی و ساختار ژنتیکی توجه به سن تخمک به هنگام باروری نیز حائز اهمیت است. مثلاً آقاپسری که ۲۶ سال سن دارد و فرزند آخر خانواده است و به هنگام تولد، مادرش ۳۲ سال سن داشته است از دخترخانم ۲۸ ساله‌ای که از مادر ۲۲ ساله متولد شده است از نظر زیستی بزرگ‌تر است هرچند از نظر شناسنامه‌ای کوچک‌تر باشد.

## ۳. سن روانی و عقلانی و سرزندگی حیاتی

منظور از سن روانی آن است که گستره انرژی حیاتی، میزان پویایی و سرزندگی افراد مختلف در سنین مشابه با هم متفاوت است. (افروز، ۱۳۸۹، ص ۶۶ و ۶۷)

این دسته از روانشناسان معتقدند سن حقیقی انسان آمیزه‌ای از سن شناسنامه‌ای، زیستی و روانی است. به همین علت آن‌ها بر این باورند که چه‌بسا دختر از پسر بزرگ‌تر باشد (به لحاظ شناسنامه) اما زندگی موفق‌تری داشته باشند.

## ۱,۳. تشابه اقتصادی





در بحث از توان مالی دو دسته نظر در میان فقها وجود دارد، یکی آنکه توان مالی را شرط کفویت شمرده‌اند که از آن‌ها می‌توان به شیخ مفید، شیخ طوسی در دو کتاب مبسوط و خلاف و علامه حلی در کتاب تذکره اشاره کرد. مهم‌ترین ادله این گروه عبارت است از:

روایتی از امام صادق علیه السلام که می‌گوید: «کفو» آن است که پاک‌دامن باشد و دارای مال؛

### «الكفو ان يكون عفيفا و عنده يسار»

روایتی که در منابع اهل سنت آمده است که معاویه و ابوجهم، هر دو از فاطمه دختر قیس خواستگاری کردند. وی برای مشورت، موضوع را با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مطرح کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

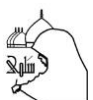
«معاویه، فردی تنگدست و ناتوان است، و ابوجهم نیز چوبش را از شانه‌اش برنمی‌دارد (کنایه از اینکه دست بزن دارد)، با اسامه بن زید ازدواج کن.» فاطمه گفته است: از این‌رو با اسامه ازدواج کردم و جز خوبی ندیدم. به این ترتیب، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه بنت قیس را از ازدواج با معاویه که فردی فقیر و ناتوان در اداره زندگی بود بازداشت.

تنگدستی شوهر مضرّ به حال زن است و عرف مردم نیز این را عیب می‌شمارد.

قوام زناشویی و دوام ازدواج با خرجی زندگی است. شوهری که توان پرداخت نفقه همسر خود را نداشته باشد، این زندگی برای زن چگونه قابل تحمل و دوام است.

گروه دوم کسانی هستند که اکثریت فقها را شامل می‌شوند و گفته آن‌ها مبنی بر این است که توان مالی شرط کفویت نمی‌باشد. و از جمله ادله ایشان به‌قرار ذیل است:





آن دسته از روایات متعددی که به افراد نیازمند دستور می‌دهد ازدواج کنند و در برخی از آن‌ها آمده است که رزق و روزی همراه زن و خانواده است. چنان‌که از کسانی که به خاطر نگرانی از تنگدستی ازدواج نمی‌کنند نکوهش شده است با این بیان که اینان دچار بدگمانی به خدای تعالی شده‌اند. عمومیت دستوراتی که در قرآن و سنت درباره ازدواج آمده و نامی از «بی‌نیازی» به‌عنوان شرط نبرده یا «فقر» را مانع ازدواج نشمرده است.

آن دسته از روایاتی که دستور ازدواج با فقیران و تنگدستان می‌دهد. از جمله جریان ازدواج جویبر با ذّلفاء دختر زیاد بن لبید به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که معروف است و در بخش روایات به‌اختصار بازگو می‌شود.

آن دسته از روایاتی که در مقام بیان شرایط «کفو» بودن است و فقط از اسلام و ایمان نام برده است و نه غنا و بی‌نیازی.

اگر فقر مانع صحت ازدواج باشد و توانایی بر نفقه، شرط «کفو» بودن قرار گیرد، این امر مستلزم عسر و حرج است که در اسلام نفی شده است. چراکه بسیاری از مردان به خاطر فقرشان ناچارند دست از ازدواج بکشند و بسیاری از دختران و زنان نیز بی‌همسر می‌مانند و این خود مایه دشواری زیاد است که بر اساس قرآن و سنت و به اتفاق نظر همه فقها، امری مردود است. (مرتضوی، ۱۳۸۱، ص ۶)

اما باید گفت که ادله طرفداران گفته نخست از نظر سند و دلالت دچار ضعف و کاستی است و توان ایستادگی در مقابل ادله گروه دوم را ندارند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که توان مالی شرط در کفویت نیست همان‌طور که قرآن کریم نیز به این امر تصریح دارد. آنجا که اعضای جامعه اسلامی را به زمینه‌سازی برای ازدواج مردان و زنان



بی‌همسر فراخوانده است بدون آنکه به تمکن مالی اشاره‌ای داشته باشد.<sup>۵</sup> و همین‌طور در روایات که ترک ازدواج از ترس فقر را بدگمانی به خدا دانسته و آن را موجب جدا شدن از مسیر پیشوایان دین به حساب آورده است. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۳۰) (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۶۰)

البته لازم است که پسرها کاملاً مسئولیت‌پذیر باشند و در راستای تأمین رفاه خانواده از هیچ کوششی فروگذار نکنند چنانکه امام صادق علیه السلام به یکی از یادان خود فرمودند: «ای معاذ! ... برای خانواده‌ات تلاش کن مبدا آنان برای تو کار و تلاش کنند» و به دیگری فرمودند: «... در تأمین معاشت تنبلی نکن که باری بر دوش دیگری باشی.» (همان، ص ۲۹۲)

#### ۱.۴. تشابه خانوادگی

منظور از تشابه و تناسب خانوادگی سطح فرهنگ دو خانواده است و هنگامی که تناسب فرهنگ برقرار نباشد زوجین زندگی پرکشمکشی را خواهند داشت که از جمله زمینه‌های این اختلافات زندگی، زن، مرد، لذت، سعادت و خوشبختی، اقتصاد، اجتماع، انسان، معاشرت، اقوام، مسافرت، تفریح، تحصیل و ... می‌باشد. (وهابی دریاکناری، ۱۳۸۵، ص ۱۰۷) مثلاً مسافرت که ممکن است خانواده‌ای عقیده‌شان بر این باشد که هر شش ماه یک‌بار باید به مسافرت خارج از کشور بروند و مسافرت داخلی را اصلاً مسافرت به حساب نیاورند اما در مقابل خانواده‌ای دیگر رفتن دو روزه به قم را نیز مسافرت محسوب کنند. مسلماً این زوجین زندگی پر فراز و نشیبی را پیش رو دارند. و یا حتی مسئله درون‌گرا یا برون‌گرا بودن زوجین که اگر دختر در خانواده‌ای درون‌گرا بزرگ شده \_ خانواده‌ای که خیلی با اطرافیان خود رفت‌وآمد ندارند \_ بخواهد با پسری ازدواج کند که در خانواده برون‌گرا رشد کرده، مسلم است زندگی موفق‌تری نخواهند داشت.

<sup>۵</sup> نور / ۳۲.



نکته دیگری که در تشابه خانوادگی باید در نظر داشت شرافت خانوادگی است. بدین معنا که بعضی خانواده‌ها ذاتاً شریف و آبرومند هستند هرچند فقیر باشند و بعضی خانواده‌ها پست و فرومایه و بی‌آبرو هستند گرچه ثروتمند و دارای مقام باشند. چنانچه پیامبر اکرم می‌فرماید: «ای مردم از گیاهانی که بر مزبله‌ها می‌رویند اجتناب نمائید» گفته شد: «یا رسول‌الله! مقصود شما از گیاه و سبزی که بر مزبله می‌روید چیست؟» فرمود: «زن زیبایی که در خانواده پست و فرومایه پرورش یابد» (امینی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۷)

اما تحصیلات؛ که آن را نمی‌توان به‌عنوان یک مزیت محسوب داشت بلکه عقل و فهم و درک را باید مورد توجه قرار داد. البته اگر زوج یا زوجه واجد سایر شرایط یعنی ایمان و دین‌داری و عقل و اخلاق و عفت و شرافت خانوادگی باشد، تحصیلات علمی نیز بدون شک کمال محسوب می‌شود و فرد تحصیل کرده بر بی‌سواد ترجیح دارد. (همان، ص ۱۲۰)

## ۲. جمال

جمال و زیبایی که برای زوجین مزیت به حساب می‌آید و هریک از آن‌ها علاقه دارند همسری زیبا و دلربا و خوش تیپ و... داشته باشند مورد توجه اسلام نیز قرار گرفته است همان‌گونه که در روایات آمده است:

- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هنگامی که خواستید از زنی خواستگاری کنید چنانکه از زیبایی صورتش سؤال می‌کنید از مویش نیز سؤال کنید زیرا مو نیز یکی از دو جمال محسوب می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۳، ص ۲۳۷)

- امام رضا علیه السلام فرمود: «از سعادت مرد این است که همسری سفید داشته باشد» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۳۶)



و این زیبایی تا جایی اهمیت داشته که در اسلام به مرد البته بدون قصد لذت و ریبه اجازه داده شده تا به زیبایی‌های زن قبل از ازدواج نگاه کند. آنجا که مردی به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: «آیا مرد می‌تواند به زنی که قصد دارد با او ازدواج نماید نگاه کند و مو و زیبایی‌هایش را ببیند؟» فرمود: «در صورتی که در نگاه کردن قصد لذت‌جوئی نداشته باشد مانع ندارد» (همان، ج ۱۴، ص ۶۰)

اما لازم به ذکر است که گرچه زیبایی امری با اهمیت در انتخاب همسر است اما نباید به‌عنوان ملاک صرف قرار گیرد و ایمان و دین‌داری و عقل و اخلاق را تحت‌الشعاع قرار دهد. در همین مضمون از امام صادق علیه السلام نقل شده است که می‌فرمایند: «اگر انسان با زنی به خاطر زیبایی یا ثروت او ازدواج کند به همان زیبایی و ثروت واگذار می‌شود و اگر به خاطر دین‌داری زن با او ازدواج کند خداوند ثروت و زیبایی را روزی او می‌گرداند.» (مسجد سرائی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۹۹) در واقع اگر جمال معیاری در ازدواج است کمال معیار برتری انسان است.

### ۳. سطح فکری و عقلی

جوانان باید در انتخاب همسر به عقل و هوش فرد مقابل توجه کنند هنگامی که همسر عاقل باشد امکانات خانواده، شرایط و اوضاع و احوال زندگی را به خوبی درک می‌کند و توقعات بی‌جا و بلندپروازی ندارد تا همسرش را تحت فشار قرار دهد. (امینی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲)

به‌علاوه عقل هوش زن و مرد در فرزندان‌شان نیز تأثیر دارد و از طرفی فرد باهوش و عاقل بهتر می‌تواند نسبت به تعلیم و تربیت فرزندان‌شان انجام وظیفه نماید.

باری عقل و درایت یکی از مزایای مهم در ازدواج است چنانکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «با انسان احمق و نفهم ازدواج نکنید زیرا معاشرت با او بلائی است عظیم و فرزندان‌ش نیز ضایع خواهند شد» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۵۶)

همچنین حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: «هرکس عاقل باشد دین‌دار است و هرکس دین‌دار باشد داخل بهشت خواهد شد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۹)

همان‌طور که گذشت معیارهای انتخاب همسر در نظام تربیتی شرح داده شد حال، با توجه به آنکه حوزه حقوقی و قانونی بخشی از نظام حقوقی ایران را به خود اختصاص می‌دهد؛ لازم می‌آید که موضوع مورد بحث را در این حوزه نیز مورد بررسی قرار داد.

مسئله نکاح و مسائل مربوط به آن به‌طور خاص در بخشی از قانون مدنی ایران (کتاب هفتم: نکاح و طلاق) مورد بحث قرار گرفته و یا در مجموعه قوانینی که مربوط به مسائل خانواده مطرح است، ولی در هیچ‌کدام به‌طور خاص و مستقل به مسئله معیارهای انتخاب همسر اشاره نشده مگر آنکه مواردی که به‌طور غیرمستقیم اشاره در لزوم کفویت طرفین داشته‌اند.

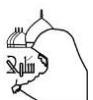
به نظر می‌آید که مبحث همسرگزینی و معیارهای آن نمی‌تواند موضوع حوزه قانونی قرار گیرد و بر اساس مبانی می‌بایست بیشتر در حوزه‌های فقهی و تربیتی مورد بررسی قرار گیرد.

البته لازم به ذکر است بخش اعظم نظام حقوقی ما بر اساس آیات و روایات تشکیل گردیده که بدان در قسمت اول اشاره شده است.

#### الگوهای برتر

تا به اینجا، بسیاری از معیارهای یک ازدواج موفق مورد بحث قرار گرفت و یا به‌نوعی معیارهایی که در نظر گرفتن و ملاک قرار دادن آن‌ها می‌تواند منجر به یک ازدواج موفق گردد، مطرح شد. بسیاری از ویژگی‌های ازدواج موفق، اکتسابی و قابل‌دستیابی است، با آنکه بخش قابل‌توجهی از آن را همان‌طور که گفته شد در گروه یک انتخاب صحیح و عاقلانه می‌دانیم که دو زوج جوان بتوانند بر اساس خواست و رضای خداوند برای رسیدن به هدف والای زندگی قدم بردارند.



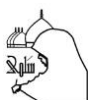


با آنکه معیارهای همسرگزینی به‌طور دقیق و روشن در دین و منابع تربیتی بیان شده و می‌تواند راهنمای کاملی برای جوانان در عرصه انتخاب همسر باشد ولی متأسفانه ما، نمود عملی و کامل این جریان را در واقعیت بیرون و در سطح جامعه کنونی که با عنوان یک جامعه دینی مطرح است نمی‌بینیم، البته این مسئله متأثر از عوامل و اسباب متعددی است که می‌تواند جداگانه بررسی و تحقیق عمیقی را به خود اختصاص دهد که در این جا مورد بحث ما نبوده و مجال برای آن نیست. آنچه مورد کلام ماست آن است که بر اساس معیارهایی که باید برای یک انتخاب در نظر گرفت می‌توان با تکیه بر اصولی، یک ازدواج موفق و سالم را در پی آن حاصل کرد.

منظور آن است که دختر و پسر آنچه را که برای انتخاب همسر خویش در نظر گرفته بودند، در عمل به‌کارگیرند و با پایبندی به اصول در پی داشتن یک زندگی موفق تلاش نمایند. همان‌طور که رهبر معظم<sup>ع</sup> در شرایط کمالی ازدواج می‌فرمایند:

در شرع آمده که پیوند ازدواج را محکم نگهدارید. بعد هم شرایط زیادی برای ازدواج در همه‌ی زمینه‌ها معین کرده است. در زمینه‌ی اخلاق و رفتار گفته: وقتی زن گرفتید، وقتی شوهر کردید، باید اخلاقتان را خوب کنید، باید همکاری کنید، باید گذشت کنید، باید محبت کنید، باید او را دوست بدارید و باید به او وفاداری کنید، این‌ها همه‌اش احکام شرع است، این‌ها همه‌اش دستورات است. و البته از لحاظ شرایط مادی سهل‌ترین است. آنچه که در ازدواج مهم است، رعایت‌های بشری و انسانی است. رعایت‌های اخلاقی است که دختر و پسر باید با همدیگر تا آخر عمرشان رعایت کنند و رعایت اصلی حفظ این پیوند است.

[www.farsi.khamenei.ir/speech-family](http://www.farsi.khamenei.ir/speech-family)



به‌طور کلی می‌توان گفت که دو زوج جوان با پایبندی و توجه در دین‌داری، تزیین به اخلاق، تمسک به اصل محبت و مودت، رعایت حقوق دینی و اخلاقی یکدیگر، همکاری و همراهی و... می‌توانند در نتیجه ازدواج سالمی را حاصل کرده و یک خانواده متعالی را شکل دهند.

حال بر آنیم که نمونه‌هایی از ازدواج‌های موفق که الگوی ارزشی بسیاری از افراد قرار می‌گیرد، به‌عنوان نمونه بیان داریم و در نهایت باور داریم که با وجود همه‌ی تفاوت‌های طرفین می‌توان با رعایت و در نظر گرفتن اصول ازدواج و در پی آن خانواده‌ای سالم و متعالی را داشت.

در طول تاریخ انسانی زوجی چون دردانه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم، فاطمه الزهرا سلام الله علیها و امیر مؤمنان، **حضرت علی** علیه السلام نمی‌توان یافت، به‌گونه‌ای کمال آنچه می‌توان مدنظر داشت به عینه در آن‌ها دیده می‌شود؛ علی علیه السلام به‌عنوان مردی با عظمت و تکامل یافته و زهرا سلام الله علیها زنی پرشکوه، زوج و کفو یکدیگر می‌باشند در حدی که در روایت آمده است اگر علی علیه السلام نبود برای زهرا سلام الله علیها کفو و همتایی یافت نمی‌شد.

نمود این کفویت و تکامل زوجیت را می‌توان از همان روزهای اول در زندگی مشترک این دو وجود مطهر مشاهده نمود؛ چند روزی از آغاز زندگی مشترک علی علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها می‌گذشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نظر علی علیه السلام را درباره‌ی همسرش جویا شد: علی علیه السلام هم با کلامی که حکایت از اوج شکر و سپاس او داشت، نظر خود را درباره‌ی عشق جاودانی‌اش این‌گونه خلاصه کرد: «**نِعْمَ الْعَوْنُ عَلٰی طَاعَةِ اللَّهِ**»: او بهترین یار در انجام طاعت پروردگار است. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۱۱۷)

حضرت زهرا سلام الله علیها و علی علیه السلام در ابعاد گوناگون دارای کفویت هستند؛ کفویت جسمی و ظاهری، روحی، فکری، اخلاقی، مقامی و... که مصادیق جزئی‌تر این کفویت از این‌قرار است:





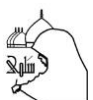
زندگی با شوهر چنان بود که پا به پای علی علیه السلام می‌رفت. اگر علی علیه السلام در رکوع نماز انگشتر پرارزش خود را به مسکین می‌دهد، فاطمه سلام الله علیها هم شبی که به خانه شوهر می‌رود پیراهن عروسی را به فقیر می‌دهد. امام علی علیه السلام پس از توصیف برنامه‌ای از زندگی‌اش، می‌فرماید: «**ألا و إنکم لا تقدرون علی ذلک**»: شما بر چنین رفتاری توانایی ندارید، ولی تنها فاطمه سلام الله علیها بود که توانایی و قدرت زندگی با علی علیه السلام را داشت. (عمادزاده، ۱۳۷۵، ص ۴۸۵)

از دیگر مصادیق قابل توجه، زندگی و شیوه همسررداری رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی رحمت الله علیه می‌باشد که در کلام مرحومه همسرشان بیان شده است:

حضرت امام به من خیلی احترام می‌گذاشتند و خیلی اهمیت می‌دادند. هیچ حرف بد یا زشتی به من نمی‌زدند. امام حتی در اوج عصبانیت هرگز بی‌احترامی و اسائه ادب نمی‌کردند. همیشه در اتاق، جای بهتر را به من تعارف می‌کردند. تا من نمی‌آدمم سر سفره، خوردن غذا را شروع نمی‌کردند. حضرت امام امور منزل را وظیفه من نمی‌دانستند و اگر به جهت نیاز گاهی به این کارها دست می‌زدم، ناراحت می‌شدند و آن را به حساب نوعی اجحاف نسبت به من می‌گذاشتند. در مسائل خصوصی زندگی من دخالت نمی‌کردند. واقعاً شوهری اسلام‌شناس بودند و می‌دانستند که اسلام به مرد چه مقدار حق دخالت در زندگی همسرش را داده است. (پور ترکمانی، ۱۳۸۷، ص ۳۴ - ۳۷)

همچنین همسر شهید مطهری درباره همکاری استاد در کارهای منزل و احترام ایشان به همسر چنین می‌گوید:

«در مدت ۲۶ سالی که با ایشان زندگی کردم، همیشه با یک حالت تواضع و آرامش با من رفتار می‌کردند. یادم نمی‌آید که هیچ‌وقت از ایشان ناراحتی و رنجی دیده باشم. بسیار باگذشت و مهربان بودند و به آسایش و راحتی من و بچه‌ها اهمیت می‌دادند. آن قدر با من صمیمی و نزدیک بودند که



رنج و ناراحتی مرا نمی‌توانستند تحمل کنند. ایشان از تمام مسائل خانه خبر داشتند و در بیشتر کارها به من و بچه‌ها کمک می‌کردند. بیشتر صبح‌ها چای درست می‌کردند. در تمام طول زندگی، به یاد ندارم که به من گفته باشند یک لیوان آب به ایشان بدهم.

یادم هست، یک‌بار برای دیدن دخترم به اصفهان رفته بودم و بعد از چند روز با یکی از دوستانم به تهران برگشتم. نزدیکی‌های سحر بود که به خانه رسیدم. وقتی وارد خانه شدم، دیدم همه بچه‌ها خواب هستند، ولی آقا بیدار است. چای حاضر کرده بودند، میوه و شیرینی چیده و منتظر من بودند. یک‌وقت هم، من و ایشان به سفر کربلا رفته بودیم. وقتی به خانه برگشتیم، دو سه تا از بچه‌ها خواب بودند. ایشان ناراحت شدند و با بچه‌ها دعوا کردند که چرا وقتی مادرتان از سفر کربلا برگشته، همه شما به استقبال نیامدید؟» ([www.hawzah.net](http://www.hawzah.net))

درنهایت می‌توان بیان داشت که چنین بزرگانی که در نهایت کمال انسانی شناخته می‌شوند و با وجود نقش‌ها و حضورهای اجتماعی و علمی و... در عرصه زمانی خود به دلیل پایبندی به دین و عمل به اصول توصیه شده، بهترین نمونه‌های انسانی در یک رابطه همسری و دارندگان ازدواج موفق شناخته می‌شوند.

#### یافته‌های پژوهش

ازدواج امری فطری و طبیعی است که نه تنها انسان بلکه هر موجودی در عالم هستی بدان نیازمند است. انسان نیز برای داشتن یک ازدواج موفق و سالم باید در جست‌وجوی همسر ایده آل خود باشد لذا دین مبین اسلام در آیات و روایات معیارهایی به او معرفی می‌نماید و مهم‌ترین ملاک را کفویت در ایمان و تقوا می‌شمارد و بر این مهم به‌گونه‌ای تأکید دارد که سایر ملاک‌ها را همانند ثروت و جمال و ... در سایه ایمان تضمین شده می‌داند و درواقع برای آن‌ها وجود استقلالی غیر از ایمان قائل نیست. نظام تربیتی و حقوقی نیز بر همین نکات توجه دارند زیرا مبنای هردو آیات و روایات است

اما لازم به ذکر است که حقوق و قانون ما صراحتاً به این مطالب اشاره نمی‌نماید. در انتها باید گفت ائمه و علما، شایسته‌ترین الگو برای ازدواج سالم و موفق هستند. افرادی همچون حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا سلام الله علیها، امام خمینی رحمت الله علیه و شهید مطهری.

منابع و مأخذ

کتب:

۱. **القرآن الکریم** ترجمه مکارم شیرازی.
۲. افروز، غلامعلی، **روانشناسی ازدواج و شکوه همسری**، ۱۳۸۹، تهران: دانشگاه تهران.
۳. امینی، ابراهیم، **انتخاب همسر**، ۱۳۸۶، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی - شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ چهاردهم.
۴. پورترکمانی، علی احمد، **سیمای آفتاب** (خاطرات ناب از زندگانی الهی سیاسی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷، تهران: نشر معارف.
۵. حرعاملی، **وسائل الشیعه**، ۱۴۰۹، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۶. دهقان، اکبر، **هزار و یک نکته از قرآن کریم**، ۱۳۸۹، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ دهم.
۷. علی‌اکبری، محمد جواد، **مطلع عشق**، ۱۳۸۷، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. عمادزاده، حسین، **زندگانی حضرت فاطمه الزهراء**، ۱۳۷۵، تهران: اسلام، چاپ ششم.
۹. قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، ۱۳۸۳، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.



۱۰. کلینی، **الكافی**، ۱۳۶۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.

۱۱. مجلسی، **بحار الانوار**، ۱۴۰۴، لبنان: موسسه الوفاء البيوت.

۱۲. محمدی ری شهری، محمد، **تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث**، ۱۳۸۷، حمید رضا،

شیخی (مترجم)، قم: مشعر.

۱۳. مسجد سرائی، حمید، **ترجمه الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه**، ۱۳۹۰، قم:

پیام نوآور، چاپ سوم.

۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، ۱۳۷۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۱۵. وهابی دریکناری، علی اکبر، **بهترین انتخاب در ازدواج**، ۱۳۸۵، قم: مهر امیرالمؤمنین.

مقاله:

۱۶. مرتضوی، سید ضیاء، **درس‌هایی از تفسیر سوره نور آیه ۲۱، ۱۳۸۱**، به نقل از مجله

خانواده و زنان - پیام زن، تهران، بی نا، شماره ۱۳۱.

سایت:

WWW. HAWZAH.AC.IR. ۱۷

www.farsi.khamenei.ir/speech-family. ۱۸

